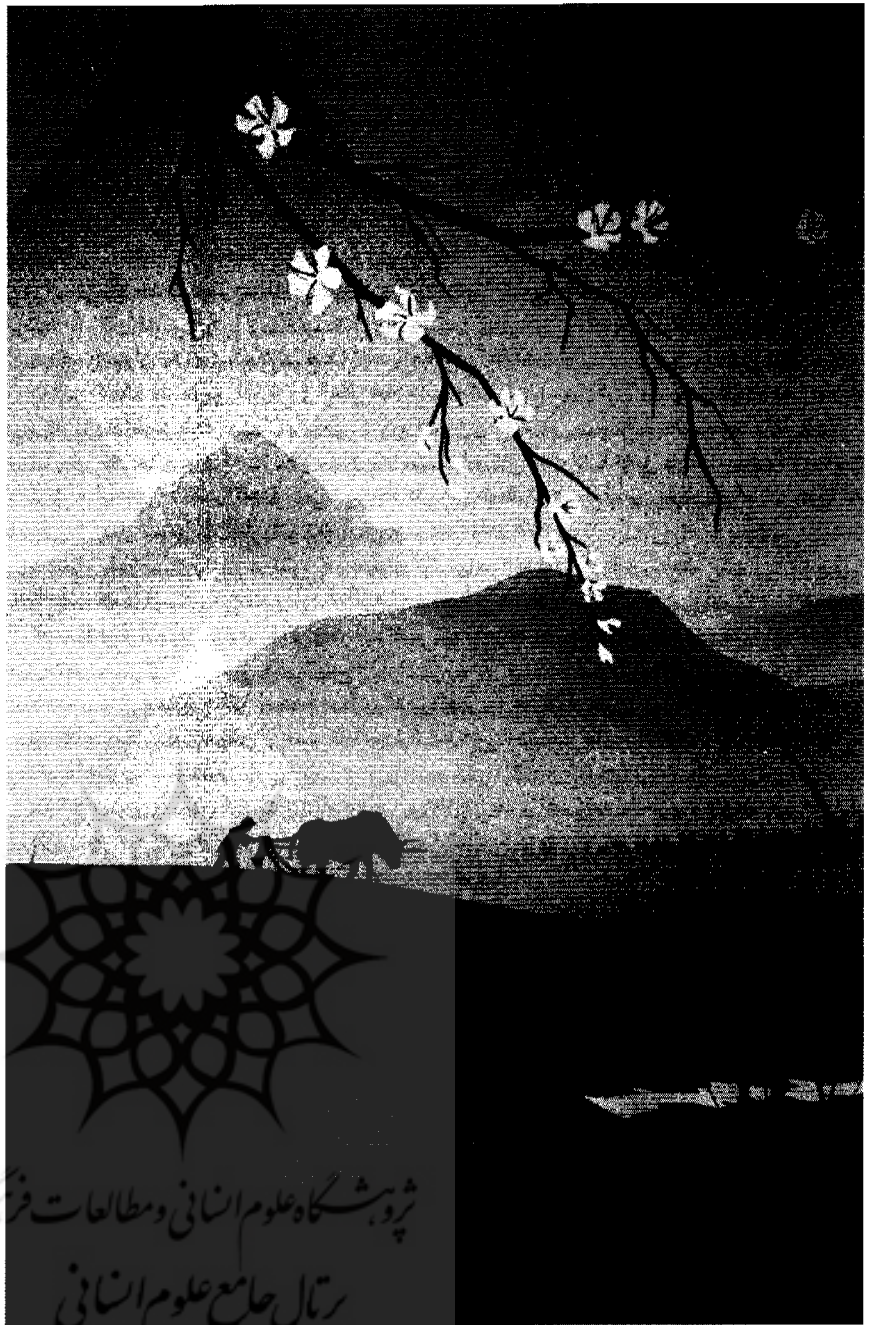


# ترویج و نظام بهره‌برداری

● دکتر غلامعلی نجفی



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رساله علمی علوم انسانی

ترویج از دیدگاه فلسفه  
کار یک مکتب آموزش  
غیرکلاسیک، از نظر  
عملیاتی یک فرآیند، و از  
نظر کارکردی یک ارتباط  
هدفدار و از نظر ماهیت  
یک سیستم است.

## ۱- ترویج

از ترویج تعاریف بسیار متعدد و در عین حال متفاوتی ارائه شده است که اشاره بدان در حوصله این مقاله نمی‌گنجد، اما بطور خلاصه میتوان گفت که ترویج از دیدگاه فلسفه کار یک مکتب آموزش غیرکلاسیک، از نظر عملیاتی یک فرآیند، و از نظر کارکردی یک ارتباط هدفدار و از نظر ماهیت یک سیستم است.

تکیه فلسفی بر مکتب آموزش غیرکلاسیک به معنای آن است که:

الف - آنچه آموزش داده میشود برخلاف آموزش‌های رسمی یا کلاسیک جنبه نظری ندارد و بر عمل و عملیات تأکید میکند.

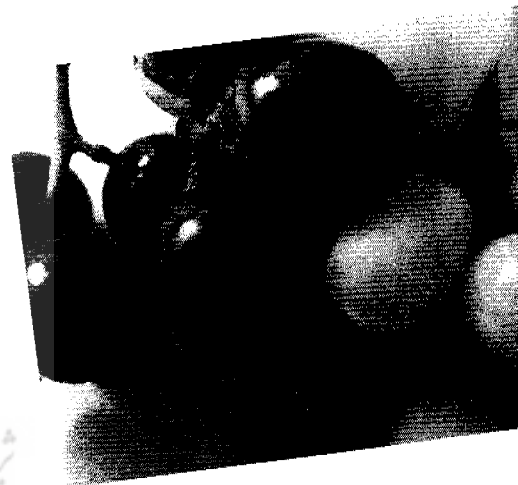
ب - یکسویه نیست که استادان یکسره مطلب بر شاگردان جوان خود عرضه کنند، دو سویه است و تعاملات خاص خود را دارد و در آن کسب آگاهی و مهارت اقماعی است.

ج - مدرک‌دهی و مدرک‌گرانی مورد توجه نیست.

د - محورهای اصلی آن فعالیت‌های کاری و زندگی است و بنابراین در پی حل مسائل مربوط و ارتقای سطح کار و زندگی است.

فرآیند بودن ترویج حاکی از این است که باید پیوستگی خاص بین فعالیت‌های ترویج وجود داشته باشد و با اقدامات "یکبار برای همیشه" متفاوت است. همچنین معنای آن است که هر فعالیتی به نوعی با فعالیت قبلی یا

هر یک از اجزای نظامهای بهره‌برداری خود متأثر از عوامل تأثیرگذار بیرون است که شامل محیط‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر جامعه است و تحول در هر یک از این عناصر محیطی به صورت مثبت یا منفی اثرات خاص خود را روی نظامهای بهره‌برداری میگذارد و آنها را به سمت و سوی مطلوب شدن و یا تخریب هدایت میکند.



بهترین قابلیت و توانمندی نظام ترویج را میتوان در معنای اعم کلمه توانمندی و قابلیت تغییر در رفتار آدمها جستجو کرد که بر آن باید تجربه ۱۰۰-۷۰ ساله بین‌المللی و حدود ۵۰ ساله کشور ما و توسعه نظام فناوری اطلاعات را اضافه نمود.

بعدی مرتبط است. بعبارت دیگر بسیاری از فعالیت‌ها چند کارکردی و چند منظوره است. ترویج از نظر کارکردی یک ارتباط هدفدار است و بر مبنای تئوری‌های ارتباطات هدف آن انتقال اطلاعات از یک منبع دیگر بمنظور ارتقای سطح دانش، تغییر در نگرش و تغییر در رفتار گیرنده است و تا چنین تغییری حاصل نشود هدف ارتباط برآورده نشده است.

ترویج از نظر ماهیتی یک سیستم است، اجزای خاص خود را دارد و کارکرد او حاصل تعاملات این اجزا است که مهمترین آن مروج، مخاطب یا ذی‌نفع، تکنولوژی، اطلاعات، روش‌های ارتباطی و... میباشد. بدیهی است که بعنوان یک سیستم دارای محیط است و پایداری و مقبولیت کارکرد آن تنها از تعامل اجزا حاصل نمیشود، بلکه تعامل سیستم با محیط که بر حسب زمان، مکان و شرایط میتواند بسیار متفاوت باشد، نیز نقش بسیار مهمی ایفا میکند.

همچنین بعنوان یک سیستم دارای هدف است و هدف آن عبارتست از: دخالت آگاهانه (از طریق آموزش و انتقال اطلاعات، مشاوره و تسهیل‌گری و...) بمنظور ایجاد تغییرات موردنظر در مخاطبین یا ذی‌نفع‌ها که در مورد ترویج کشاورزی کشاورزان و روستائیان هستند.

لذا بطور خلاصه میتوان گفت: نظام ترویج یک سیستم ارتباطی است که با توسل به آموزش غیرکلاسیک و از طریق فرآیندهای دخالت آگاهانه سعی در ایجاد تغییرات داوطلبانه در مخاطبین دارد. بنابراین در هر جا که تغییری در رفتار انسانها موردنیاز باشد نیاز به ترویج بوجود خواهد آمد زیرا:

۱- تغییر رفتار مستلزم تغییر در نگرش، و تغییر در نگرش مستلزم تغییر در دانش است.  
 ۲- همه آدمها فرصت و توانمندی آن را ندارند که شخصاً به جستجوی دانش و آگاهی‌های لازم بروند.  
 ۳- بسیاری از آدم‌ها نمیدانند که اگر رفتار آنها تغییر کند نتایج بهتری حاصل میشود، چه رسد به اینکه بدانند تغییر دانش و نگرش برای تغییر رفتار باشند.

۴- تغییر رفتار انسانها اقناعی است نه اجباری که این دومی به محض از بین رفتن فشار، باقی نخواهد ماند.  
 ۵- اقناعی بودن تغییر بمعنای آن است که نتایج و اثرات ناشی از تغییر از نظر تغییردهنده رفتار مثبت، سودمند، و صاحب ارزش و اعتبار باشد.

بنابراین بهترین قابلیت و توانمندی نظام ترویج را میتوان در معنای اعم کلمه توانمندی و قابلیت تغییر در رفتار آدمها جستجو کرد که بر آن باید تجربه ۱۰۰-۷۰ ساله بین‌المللی و حدود ۵۰ ساله کشور ما و توسعه نظام فناوری اطلاعات را اضافه نمود. اما در عمل و برای گسترش بهره‌گیری از این قابلیت مشکلات متعددی در کشور، وجود دارد که بعضی از آنها عبارتند از:

۱- ایران کشور وسیعی با اقالیم متعدد و خرد اقلیم بسیار و تنوع زیستی خوب است.  
 ۲- زبان، گویش، آداب و رسوم و دیگر عناصر فرهنگی اثرگذار بر رفتار آدمها در گوشه گوشه این سرزمین پهناور متفاوت است.

۳- تعدد محصولات کشاورزی کشور ما کم‌نظیر است و لاجرم با خود مسائل بسیار و متفاوت دارد.

۴- تعدد مخاطبین یک مشکل عظیم است (حدود ۳/۳ میلیون بهره‌بردار کشاورزی)

۵- اکثریت بهره‌برداران بیسواد و کم‌سوادند.

۶- سن متوسط بهره‌برداران کشاورزی حدود ۵۰ سال است (این سن نشان‌دهنده این است که تغییر در رفتار آنها به لحاظ عادت و انکای به سنت و آداب و رسوم مشکل‌تر است).

۷- سیاست‌های متغیر در کشور

۸- نبود نظام‌های بهره‌برداری مطلوب

بر مشکلات مهم فوق باید بعضی از محدودیت‌های نظام ترویج را نیز اضافه کرد:

الف - وجود مشکلات متعدد در نظام سازمانی ترویج

ب - کمبود نیروی انسانی متخصص

ج - مشکلات مالی و بودجه‌ای و تجهیزاتی

د - رویکردهایی که با گذشته بیشتر سازگارند تا حال و آینده

ه - تمرکز و سلسله‌مراتبی بودن برنامه‌ها (از بالا به پائین)

ز - عدم امکان الگوبرداری از تجارب سایر کشورها به لحاظ تفاوت‌های اقلیمی و فرهنگی.

با این حال شواهد و تجارب حاکی از این است که این مشکلات چیزهایی نیستند که بتوانند پای پوینده راه را ببندند، و لذا مطمئناً میتوان افق‌های بهتری را ترسیم کرد و از قابلیت‌های مهم برشمرده بنحو احسن استفاده نمود. طبیعی است که این افق‌های مطلوب مستلزم این است که:

اول - نظام ترویج سمت و سونی مخاطب‌مدار پیدا کند.

دوم - بر عدم تمرکز، موضوعات و جوامع محلی تأکید کند.

سوم - آینده‌نگر باشد.

چهارم - در چارچوب آینده‌نگری برنامه‌های از پائین به بالا و از بالا به پائین را تلفیق کند.

پنجم - از دانشگاه‌ها، مؤسسات، واحدهای تولیدی، کشاورزان و نظام ترویج خصوصی استفاده کند.

ششم - رویکردهای جدیدی انتخاب کند.

هفتم - محتوی نظام ترویج را بر مبنای یافته‌های مکتب آموزش غیرکلاسیک و نظام ارتباطات و اطلاعات

هشتم - سیستم‌های تلفیقی برای نظام ترویج منطقه‌ای و محلی فراهم آورد.

نهم - یک سیستم مدیریت تلفیقی بوجود آورده و نظام ترویج را بنحوی هدایت کند که با سرعت بیشتر به اهداف ناشی از مأموریت نظام، و مأموریت وزارت جهاد کشاورزی دست پیدا کند. تردیدی وجود ندارد که با لحاظ این تغییرات قابلیت نظام ترویج در دخالت آگاهانه و تغییر رفتار داوطلبانه کشاورزان در آینده میتواند بسیار مثمرتر باشد.

## ۲- نظام‌های بهره‌برداری

نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی مجموعه‌هایی از انسانها (سیستم‌های اجتماعی) هستند که منابع پایه را برای تولید انواع محصولات کشاورزی و فرآوری آنها مورد بهره‌برداری قرار میدهند، و در این راه با استفاده از دانش و اطلاعات (به اندازه‌ای که از آن برخوردارند)، کاربرد نهاده‌ها و تکنولوژی سعی در تولید بهتر و عرضه مطلوب‌تر دارند.

ویژگی‌ها و خصوصیات هر سیستم و تعامل آنها با یکدیگر از یک سو و تعامل آنها با محیط‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی از سوی دیگر دست به دست هم داده و توانمندیها و قابلیت‌های آن‌ها را بوجود می‌آورد و نظام بهره‌برداری نیز چنین است.

اجزای نظام بهره‌برداری عبارت است از دانش و اطلاعات، تکنولوژی، منابع پایه (زمین، آب و...)، نهاده‌ها، نیروی انسانی، منابع مالی و مدیریت که دائماً با یکدیگر در تعاملند و در نهایت تعامل آنهاست که منجر به تولید محصول میگردد. تغییر و تحول در هر یک از این اجزاء و تعامل آنها با محیط‌های اطراف منجر به تحول نظام بهره‌برداری و حرکت به سمت و سوی ارتقاء کمی و کیفی و یا نزول نظام‌های بهره‌برداری میگردد. لذا مطالعه و یافتن راهکارها و رویکردهای جدید برای تحول در هر یک از اجزای نظام‌های بهره‌برداری یا بهبود نحوه تعامل آنها با محیط میتواند در تحول ساختار نظام‌های بهره‌برداری و نهایتاً توسعه پایدار کشاورزی نقش اساسی ایفا کند. بدیهی است که هر یک از اجزای نظام‌های بهره‌برداری خود متأثر از عوامل تأثیرگذار بیرون است که شامل محیط‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر جامعه است و تحول در هر یک از این عناصر محیطی به صورت مثبت یا منفی اثرات خاص خود را روی نظام‌های بهره‌برداری میگذارد و آنها را به سمت و سوی مطلوب شدن و یا تخریب هدایت میکند. شایان ذکر است که عوامل محیطی نظام‌های بهره‌برداری نیز به نوبه خود تحت تأثیر محیط جهانی قرار دارند و تجربه ثابت کرده است که تحولات جهانی به طور مستقیم روی محیط‌های ملی و به طور غیرمستقیم روی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی تأثیرگذار است و میتواند اثرات مثبت و یا منفی را به همراه داشته باشد.

نظر به اینکه پایداری هر سیستم به پایداری در درون و پایداری در بیرون بستگی دارد، بدیهی است که هر یک از نظام‌های بهره‌برداری که خود را با تحولات جهانی و کشوری هماهنگ نمایند بهتر میتوانند به حیات خود ادامه دهند و در غیر این صورت، جبر تعامل‌های اجزای تأثیرگذار جهانی و بیرونی آنها را از چرخه تعاملات خارج و در درون نظام‌های پویا حل خواهد کرد و یا آنها را ناکارآمد خواهد ساخت.

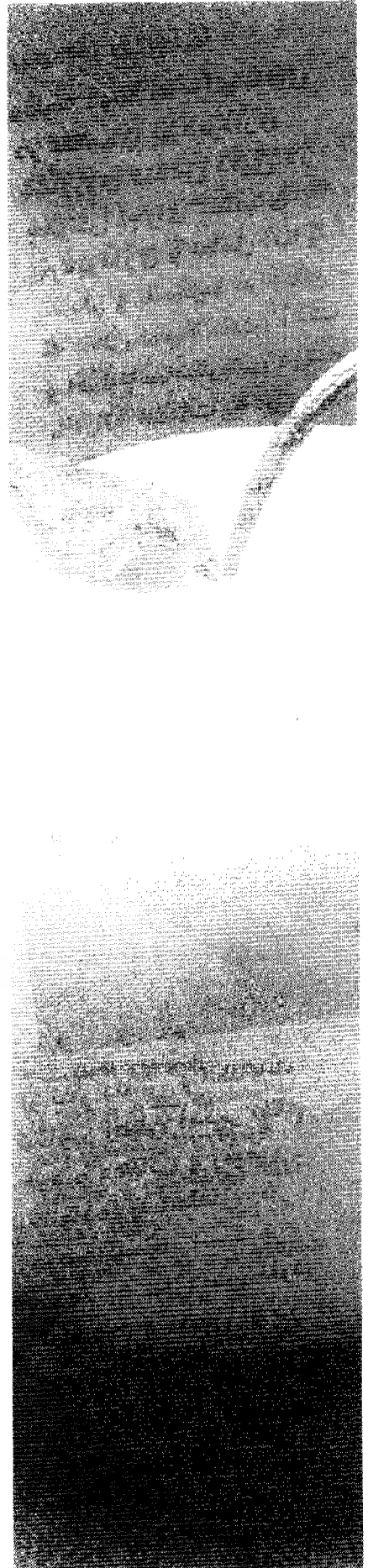
هر جامعه در مسیر تحول خود دارای نظام‌های بهره‌برداری ویژه خود است که ریشه آن در مناسبات اجتماعی، فرهنگی، قومی و مذهبی و نیازهای آن جامعه نهفته است و تحول‌پذیری آن در طول زمان با تحولات مناسبات فوق‌الذکر در ارتباط است و با تند و کند شدن تغییرات محیط، تحول در نظام بهره‌برداری تند یا کند میشود.

یک مثال ساده این بحث را روشن میکند. یک چغندرکار با اعضای خانواده خود یک نظام خرد دهقانی را به وجود می‌آورد. وجود نظام خرد دهقانی چغندرکاری ناشی از تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی سالیان سال گذشته است. برنامه‌های اصلاحات ارضی کشور در دهه ۱۳۴۰ و تغییرات اجتماعی بعد از آن و نیز واگذاری و تقسیم اراضی بعد از انقلاب موجب افزایش تعداد این نوع نظام شده است. کارکرد این نظام، در عین اینکه زمین و آب در اختیار دارد، به دانش و اطلاعات مدیر نظام یا زارع اصلی (در انتخاب و کاربرد نکات) تکنولوژی موجود (بذر مونوژرم یا پلی‌ژرم، ماشین‌الات و غیره)، نهاده‌ها (سم، کود، آب و غیره)، نیروی انسانی در اختیار او (زن و فرزند) و به مدیریت زارع چغندرکار در استفاده صحیح و به موقع از این عناصر وابسته است. میزان مالکیت زمین او کم است (متوسط کشور کمتر از ۶ هکتار است) و این مقدار زمین نیز به سه دسته تفکیک میشود: آبی، دیم و آیش. بعلاوه بدلیل ارث، مسائل اجتماعی، اقتصادی و عدم امنیت زندگی در سطح خانوار روستایی این زمین‌ها بسیار تقسیم شده است. متوسط تعدد قطعات زمین هر مالک در کشور بسته به منطقه ۱۰-۶ قطعه آنهم بصورت غیرمهندسی و تسطیح نشده است که در بعضی از مناطق به ۵۰ قطعه هم میرسد. حق استفاده از آب که به حقیقه معروف است در غالب نقاط کشور بصورت یک سیستم پیچیده سنتی است که در نهرهای خاکی غالباً از بین مزارع و در شالیزارها از درون مزرعه عبور میکند. از نظر دانش و اطلاعات کشاورز اصلی (مدیر نظام خرد و دهقانی و رئیس خانواده) به احتمال ۵۰ درصد بیسواد است و حدود ۵۰ سال سن دارد. اطلاعات و دانش او در حد چیزی است که زیر دست پدر آموخته یا خود تجربه کرده و یا به او انتقال داده‌اند. از لحاظ مالی غالباً در فشار است. درآمد او از فروش چغندر حاصل میشود که گاه کارخانه‌دار با تأخیر و در بعضی موارد به لحاظ تأخیر در قبول محصول او توسط کارخانه با افت کمی به او می‌پردازد. این درآمد باید صرف گذران یکساله خانواده، پرداخت بدهی‌ها، و تمهید و تهیه نیازهای کشت آبی شود و بنابراین چیزی نمی‌ماند که برای تهیه ماشین و استفاده از تکنولوژی‌های جدید سرمایه‌گذاری نماید. به علاوه قیمت جهانی شکر و واردات آن به داخل کشور و میزان اشباع بودن بازار یا وجود

وظیفه دولت‌ها برای تحول در نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی کنکاش دقیق در چگونگی اجرای نظام‌های بهره‌برداری و تعامل آنها با یکدیگر و با محیط مربوطه، که گاهی محیط محلی است و اصلاح ساختارهای مرتبط با ارائه خدمات به این اجزا میباشد تا تحول و تکامل نظام‌های بهره‌برداری را تسریع نمایند.



از نظر دانش و اطلاعات کشاورز اصلی (مدیر نظام خرد و دهقانی و رئیس خانواده) به احتمال ۵۰ درصد بیسواد است و حدود ۵۰ سال سن دارد. اطلاعات و دانش او در حد چیزی است که زیر دست پدر آموخته یا خود تجربه کرده و یا به او انتقال داده‌اند.



نقاخا (برای اختصاص زمین بیشتر به چغندرکاری) در تصمیمات و کارکرد این نظام بسیار مؤثر است. قیمت جهانی شکر خود به هزینه تمام شده این محصول در کشورهای تولیدکننده، میزان بارانه تولید و میزان بارانه صادراتی پرداختی توسط آن کشورها دارد و میزان واردات و اشباع بازار نیز وابسته به سیاست‌ها و تصمیمات دولت و وزارت بازرگانی در مورد واردات شکر، سیاست‌های بانک مرکزی در مورد تخصیص ارز، سیستم حمل‌ونقل کشور، قدرت مالی واردکنندگان و تفاوت‌های قیمت در بازار بعنوان انگیزه واردات، نظارت‌های گمرک و... میباشد. بنابراین بخوبی قابل لمس است که کارکرد و پایداری بلندمدت نظام بهره‌برداری از یک طرف به توانایی این نظام در حفظ کارکرد مطلوب آن (و به ویژه حفظ و صیانت زمین و آب و دیگر منابع پایه) وابسته است و از طرف دیگر به وضعیت جامعه (فشارها یا فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...) بستگی دارد.

تجربه سال‌های پس از اصلاحات ارضی نشان داده است که تنها راه ایجاد تحول در نظامهای بهره‌برداری مطالعه صحیح و ایجاد تحول در اجزای نظام‌ها و همگام نمودن آن با تحولات محیط محلی، ملی و جهانی است که در نهایت منجر به اصلاح و شکل‌گیری نوعی از نظام‌های بهره‌برداری ریشه‌دار یا ایجاد نظام‌های بهره‌برداری جدید میگردد. هرچه این نظام‌ها مقبولیت عامه بیشتری داشته باشند از پایداری و استحکام بیشتری برخوردارند. در این خصوص میتوان به پی‌ریزی شرکت‌های سهامی زراعی و از هم گسیختگی بعدی آن اشاره کرد.

وظیفه دولت‌ها برای تحول در نظامهای بهره‌برداری کشاورزی کنکاش دقیق در چگونگی اجزای نظامهای بهره‌برداری و تعامل آنها با یکدیگر و با محیط مربوطه، که گاهی محیط محلی است و اصلاح ساختارهای مرتبط با ارائه خدمات به این اجزا میباشد تا تحول و تکامل نظام‌های بهره‌برداری را تسریع نمایند.

بررسی‌ها نشان میدهد که شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور با توجه به شرایط متنوع اقلیمی و زیستی موجود ایجاب مینماید که به همه نظامهای بهره‌برداری موجود (به ویژه در شرایط فعلی به نظام خرد و دهقانی) توجه ویژه شود و در سیاست‌گذاری‌ها، راهکارها و رویکردهایی را در نظر بگیرند که هر یک از نظامهای بهره‌برداری در محدوده محیط محلی خود بتواند به نحو مناسبی از امکانات موجود استفاده نماید و با استفاده از تحقیقات کاربردی، تکنولوژی‌های متنوعی را برای انواع نظامهای بهره‌برداری مطرح و ارائه نمایند تا هر یک از نظامها این توانمندی را به دست آورند که با استفاده از آن و ارتقاء سطح دانش و اطلاعات خود به نحو مطلوب و شایسته‌ای از منابع پایه بهره‌برداری و حداکثر تولید با کیفیت عالی را داشته باشند. مضافاً اینکه باید از پیچیدن یک نسخه واحد برای همه شرایط خودداری کرد، به ویژه که در بحث‌های پایداری این گونه نسخه‌ها به وضوح از مقبولیت اجتماعی محلی کمتری برخوردار خواهند بود.

گرچه در بررسی‌های به عمل آمده و مطالعات متعددی که در طی دو دهه گذشته صورت گرفته بهترین مدل‌ها برای نظام‌های بهره‌برداری از جمیع جهات کشت و صنعت‌ها تشخیص داده شده است اما امروزه خود آنها با دشواری‌ها و مشکلات متعددی روبرو هستند.

به آنچه که فوقاً اشاره شد باید چهار نکته مهم را اضافه کرد که توجه به آنها باید مدنظر همه سیاست‌گذاران، مسئولین و کارشناسان قرار گیرد:

اول - اگرچه عنوان نظام بهره‌برداری کمی ابهام‌آمیز به نظر میرسد. ولی هیچ تولیدی در خارج از نظامهای بهره‌برداری صورت نمی‌گیرد و بستر اصلی تولید نظامهای بهره‌برداری هستند. بنابراین هرگونه ایجاد تحول در تولید کشاورزی و در کاربری منابع پایه (آب، خاک و...) و استفاده از تکنولوژی و نهاده‌ها جز از طریق تحول در نظامهای بهره‌برداری ممکن نیست.

دوم - حضور و وجود همه انواع نظامهای بهره‌برداری موجود در کشور به لحاظ تنوع سلیقه، قومیت‌های مختلف، تنوع در بهره‌برداری از منابع پایه و تنوع در شرایط اقلیمی ضروری بوده و سیاست‌گذارهای در سطح جامعه نباید به گونه‌ای باشد که با فشار، حذف برخی از نظامهای بهره‌برداری و ایجاد بعضی انواع دیگر را دیکته کند. بلکه باید به گونه‌ای اندیشیده شود که هر یک از نظامهای بهره‌برداری مزبور این توانمندی را کسب کنند که با درک تحولات محیط محلی و ملی و با توجه به تغییرات محیط سیاسی (سیاست‌ها و برنامه‌ها)، محیط اقتصادی، و محیط اجتماعی، خود تصمیم بگیرند و در جهت پایداری خود از تحولات و تمهیدات پیشنهادی استقبال نمایند.

سوم - دولت و کارشناسان دولتی نیز باید از سیاست‌ها و روش‌های آیین است و جز این نیست دست بکشند و تعامل و همراهی و همفکری با مدیران نظام‌های بهره‌برداری (کشاورزان مدیر نظام بهره‌برداری نه مدیران امور نظام بهره‌برداری که مسئولیت دولتی هستند) را پیشه کنند تا بهره‌برداران با درک صحیح موقعیت، خود به اصلاحات پیشنهادی بپردازند.

چهارم - فراموش نکنیم که امنیت غذایی شاخه اصلی امنیت کشور در سالهای آتی خواهد بود و امنیت غذایی مستلزم توسعه پایدار کشاورزی است. همچنین نظام بهره‌برداری بستر و محل تولید محصولات کشاورزی و پایداری کشاورزی و امنیت غذایی به پایداری آن وابسته است، و پایداری نظام بهره‌برداری یا وجود نظام بهره‌برداری پایدار محتاج توجه همه جانبه کشور به این سلولهای اصلی و سنگ بنای کشاورزی و مساعدت به آن از طریق برنامه‌ها، سیاست‌ها و فعالیت‌های مناسب و متناسب و از جمله آموزش و ترویج روشها، فنون و تکنولوژی‌های جدید است.

و بالاخره اینکه افق‌ها نار نیست، غبارآلود است و غبارزدانی محتاج آگاهی، علاقه و اراده است. انشاء...